

تحریری دیگر از مرزبان نامه

هاشم محمدی^۱

دسته‌ای از پژوهشگران نخستین زادگاه داستان‌گویی از زبان حیوانات را هندوستان می‌دانند و معتقدند در این زمینه هند نسبت به سرزمین یونان پیشگامی داشته است و از سویی عده‌ای دیگر تکامل این نوع داستان‌ها را در مصر می‌دانند؛ با این همه پیدایش این گونه افسانه‌ها ریشه عامیانه و اساطیری دارد و همگی مشترکاً در رشد این قصه‌ها سهیم بوده‌اند و تعیین موطن اصلی آنها دشوار است.^۲

داستان‌های نقل شده از زبان حیوانات، داستان‌های اخلاقی و آموزنده‌ای هستند که در شیوه فنی و ادبی خاصی حکایت می‌شوند. قهرمانان این داستان‌ها غالباً از جانوران و گیاهان و جمادات هستند که نقش سمبلیک شخصیت‌های داستان را بازی می‌کنند و گاهی نیز انسان‌ها در قالب و نماد اشخاص واقعی داستان گذارده می‌شوند. این گونه داستان پیش از آن

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران
۲. غنیمی هلال، محمد، ادبیات تطبیقی، تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی، ترجمه سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۲۲۸.

که به مرحله فولکوریک و سبک ادبی خاص ارتقا یابد، بیشتر جنبه ابتدایی و فطری داشته است و غالباً طبقه عوام از این راه به توجیه پدیده‌های طبیعت بر پایه باورهای اساطیری و متافیزیکی می‌پرداختند.^۱

یکی از این مجموعه داستان‌ها مبرزیان‌نامه است که گردآوری آنها را به یکی از اسپهبدان گرگان به نام مرزبان بن شروین نسبت می‌دهند. اما بنا به نوشته کیکاوس بن اسکندر، صاحب قابوسنامه، که در ایالت گرگان از نواحی دریای خزر حکومت می‌راند، نیای خود او به نام مرزبان بن رستم کتاب را تألیف کرده است.^۲ مؤلف اصلی هر که بوده، اثری از او در دست نیست. این کتاب که در اواخر قرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی) و به گویش طبری بوده، از زبان طبری به زبان فارسی معمول عصر خود درآمده و در قرن ششم روایت‌های مختلفی از آن وجود داشته است. در اوایل قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) سعدالدین وراوینی، از فضلاء عراق عجم، آن را از زبان طبری به زبان فارسی عصر خود برگرداند و به شیوه ترجمه نصرالله منشی از کلیله و دمنه اشعار و امثال فارسی و عربی بدان افزود و آن را در قالب نثر فنی و قریب به شعر منثور درآورد.^۳

محمد بن احمد بن ظفر بن عربشاه (دمشقی، فوت ۸۴۵ ق) کتاب فاکهة الخلفا و مفاکهة الظرفا را از زبان حیوانات و وحوش به سبک داستان‌های کلیله و دمنه تألیف کرد. این کتاب ترجمه آزاد مرزبان‌نامه وراوینی بوده است.^۴ ترجمه دیگری به نام مرزبان‌نامه به زبان طبری اصیل، اما با شیوه‌ای ساده، به ابن عربشاه نسبت داده‌اند که تاکنون نسخه‌ای از آن به دست نیامده است. در سال ۵۹۸ ق و در زمان سلطنت ابوالفتح رکن‌الدین سلیمان شاه ابن قلیج ارسلان، یکی از فضلاء آن ناحیه به نام محمد بن غازی ملطیوی، اهل ملطیه - که شهری معروف از بلاد روم (آسیای صغیر) و در حدود شام بود - ابتدا دبیر و سپس وزیر شاه سلیمان مذکور گردید. وی کتاب مرزبان‌نامه را اصلاح کرد و آن را به روضة‌العقول موسوم گردانید.^۵ علت تصنیف کتاب را چنین گوید: «کتابی طلب کرده شد که از تصانیف ارباب دها و اصحاب بها باشد و مطلوب را شامل و مرغوب را کامل. مرزبان‌نامه را یافته شد که از تصانیف قابوس و شمگیر است به غراب کیاست مشحون و به عجایب سیاست معجون.»

۱. همو: ۲۲۶.

۲. رستگار، منصور، انواع نثر فارسی، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص ۳۶۳.

۳. صفا، ذبیح‌الله، گنجینه سخن، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۶۳.

۴. غنیمی هلال: ۲۳۴.

۵. نظری، جلیل، روضة‌العقول، تحریر دیگر مرزبان‌نامه، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۳.

ادیبان و منشیان سده ششم و هفتم هجری که نثر ساده و روان و بی‌پیرایه روزگار در چشم آنان بی‌اعتبار می‌نمود، متن‌های ساده و عاری از حلیت عبارات را به زیور الفاظ و مواعظ می‌آراستند و چه بسا نامی نو بر آن می‌نهادند؛ به ویژه داستان‌هایی نقل شده از زبان حیوانات.^۱

برای علاقه‌مندان نثرهای منشیانه روضة‌العقول نامی آشناست و این آشنایی، به سبب چاپ و منتشر نشدن این اثر مفید، فقط در حد همان اطلاعاتی مانده که مرحوم علامه قزوینی در مقدمه مرزبان‌نامه بیان کرده است. این تحریر جدید مرزبان‌نامه که در نیمه نخست سده هفتم (گویا در سال‌های ۶۰۷-۶۲۲ ق) تألیف شده، هم از زبان اصلی آن، یعنی طبری برگردانیده شده است.

بنا به تحقیق پژوهشگران، متنی به گویش طبری در دست بوده و آن‌چنان اشتها یافته است که دو ادیب ایرانی دور از یکدیگر، یکی در ملطیه روم - آسیای صغیر - و آن دیگری در اران آذربایجان، به آن گویش چندان آشنایی داشته‌اند که هر یک بدون آگاهی از دیگری دست به ترجمه آن برده‌اند و نویسندگان هر دو روایت، سعدالدین وراوینی و محمدبن غازی، یادآوری کرده‌اند که از اصل چیزی فرو نهاده و جز مثل‌ها و شواهد، برای تزئین کلام، بر آن نیفزوده‌اند؛ اما متن اصلی آن چنان متروک مانده که از آن پس هیچ‌کس نام و نشانی از آن نمی‌دهد. از آنجا که جز مقدمه مرزبان‌نامه وراوینی هیچ‌گونه سند تاریخی‌ای درباره طبری بودن اصل کتاب موجود نیست و منابع قدیمی مهمی مانند تاریخ طبرستان و قابوسنامه به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند، پذیرش این نکته که زبان اصلی مرزبان‌نامه طبری بوده، دشوار است. وجود ایاتی به گویش طبری در قابوسنامه و بعضی از آثار این دوره این حدس را تقویت می‌کند که اصل مرزبان‌نامه به زبان فارسی بوده و ایاتی به گویش طبری در آن به کار رفته است.^۲

روضه‌العقول به بسیاری از حدس‌ها و گمان‌ها در باب اصل مرزبان‌نامه و محتوای آن پاسخ می‌دهد و بسیاری از کاستی‌ها را جبران می‌کند؛ به گونه‌ای که اهل تحقیق از مقایسه دو کتاب مرزبان‌نامه و روضة‌العقول در می‌یابند که نویسندگان این آثار چه میزان بر اصل کتاب افزوده یا از آن کاسته‌اند.

هوتسما، مستشرق آلمانی، در سال ۱۸۹۸ م اولین بار در مجله شرق‌شناسی آلمان

۱. همو: ۲۱.

۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات سخن، ج ۲، ص ۱۰۰۷.

(ZDMG, LII، صفحات ۳۵۹-۳۹۲) کتاب روضة العقول و باب‌های آن را معرفی کرد و مقدمه این کتاب را از روی نسخه لیدن انتشار داد.

پرفسور احمد آتش در جزوه‌ای تحت عنوان «آثار فارسی در آناتولی از قرن ششم تا هشتم» از این نوشته هوسما استفاده کرد. خانم صائمه اینال صاوی این جزوه را به فارسی برگردانده است.

در سال ۱۹۰۸م علامه قزوینی در مقدمه مرزبان‌نامه چاپ لیدن، بنا به ضرورت به معرفی روضة العقول پرداخت و سه حکایت کوتاه آن را به عنوان نمونه نثر کتاب ذکر کرد. در سال ۱۹۳۸م، هانری ماسه، مستشرق فرانسوی، باب اول این کتاب (الملک و اولاده) را به طور کامل و بدون توضیحی به دو زبان، فرانسوی و فارسی، در یک مجلد منتشر کرد.^۱ آنچه مرحوم ملک الشعراء بهار در سبک‌شناسی (ج ۳، صص ۱۵-۱۷) و استاد ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲، ص ۱۰۰۷) و محمدجعفر محجوب در کتاب درباره کلیله و دمنه (ص ۲۳۵) و حسین خطیبی در کتاب فن نثر در ادب پارسی (ص ۵۰۰۱) نوشته‌اند، همگی از روی نوشته قزوینی بوده است و هیچ کدام نکته تازه‌ای در بر ندارند. علامه قزوینی نویسنده روضة العقول را یکی از فضلاء آسیای صغیر و اهل ملطیه می‌داند که ابتدا دبیر و سپس وزیر سلیمان شاه (۵۸۸-۶۰۶ ق) گردید. وی نویسنده‌ای پرکار بوده و تألیفات زیادی داشته است.^۲ در حال حاضر بیش از سه اثر که از یکی فقط نامی باقی مانده، چیز دیگری موجود نیست:

۱. مرشد الکتاب که مجموعه‌ای درباره عهدنامه‌ها، مناشیر، و اخوانیات بوده و مؤلف آن را قبل از روضة العقول تألیف کرده و از آن اثری در دست نیست.^۳
۲. برید السعادة، شرح چهل حدیث از پیامبر اکرم (ص) و چهل سخن از خلفای اربعه (از هر کدام ده مورد) و بیست سخن از سخنان حکما و بیست مثل از امثال عرب است که نویسنده به شرح و تفضیل آنها پرداخته و به مناسب هر کدام حکایتی ذکر کرده است. این اثر در سال ۱۳۵۱ش به تصحیح محمد شیروانی و در ۳۸۹ صفحه جزو انتشارات دانشگاه تهران به شماره ۱۳۵۵ به چاپ رسیده است.^۴
۳. روضة العقول که تحریر دیگر مرزبان‌نامه است. حجم کتاب بیش از مرزبان‌نامه و

۱. نظری، پیشگفتار، صص ۱ و ۲.

۲. بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی (تاریخ قطور و تطول نثر فارسی)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۷.

۳. همو: همانجا.

۴. صفا، تاریخ ادبیات...

حداقل دو برابر آن است. در این کتاب مجموعاً ۹۱ حکایت در ضمن باب‌های مختلف آمده که از این مقدار ۵۱ حکایت آن با مرزبان‌نامه مشترک است و چهل حکایت دیگر در کتاب اخیر نیامده است. به گفته ملک‌الشعراى بهار، روضة العقول و مرزبان‌نامه، دو همزادند که از یک پستان شیر خورده و در کنار یک دایه پرورش یافته‌اند، الا این که لغات تازی غریب در روضة العقول بیشتر از مرزبان‌نامه به کار رفته و شعر پارسی در آن کمتر است.^۱ در عین حال در شیوة بیان، جمله‌بندی، تصویرسازی، کیفیت ورود و خروج داستان‌ها و استتاج از آنها با هم تفاوت‌هایی دارند. مؤلف مرزبان‌نامه ذهنی فلسفی‌تر داشته و به علوم و فنون بیشتری احاطه داشته است؛ به طوری که انعکاس معلومات وسیع او در نگارش مرزبان‌نامه کاملاً مشهود است و به علاوه در تصویرسازی‌ها از مؤلف روضة العقول قوی‌تر بوده است. در مقابل، محمد غازی ذهنش از علوم و فنون غیرادبی خالی بوده یا این که به عمد آنها را در نثر خویش وارد نکرده است؛ اما در ترادف‌سازی، موازنه و ترصیع و ایراد مفردات عربی از وراوینی جلوتر رفته است. مقایسه و تطبیق این دو کتاب بر اهل تحقیق روشن می‌سازد که کاستنی‌ها و افزودنی‌ها، در اصل چه مقدار دخل و تصرف وارد نموده است و باعث اختلاف این «دو همزاد» در عرصه ادبیات شده است.^۲

بنا به نظر مرحوم علامه قزوینی، مرزبان‌نامه به ترکی و از ترکی به عربی توسط شیخ شهاب‌الدین عربشاه (در گذشته به سال ۸۳۴ ق) ترجمه شده و این ترجمه در سال ۱۲۷۷ ق در قاهره به طبع رسیده است. خاورشناس نامی، روبن لوی، مرزبان‌نامه را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. این کتاب در سال ۱۳۵۵ ش به تصحیح محمد روشن در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، در دو مجلد چاپ و منتشر شده و در سال ۱۳۶۷ ش با اصلاحات و اضافات همراه با معانی آیات و ابیات و واژه‌ها به چاپ دوم رسیده است. خلیل خطیب رهبر هم مرزبان‌نامه را با معنی واژه‌ها و شرح بیت‌ها و جمله‌های دشوار و تعیین محور اشعار تازی و پارسی و برخی نکته‌های دستوری و ادبی و امثال و حکم، بارها چاپ کرده است. از روضة العقول هم دو نسخه موجود است: ۱. نسخه پاریس که در فهرست نسخه‌های خطی احمد منزوی (۱۶۱۷/۲) معرفی شده است و میکرو فیلم این نسخه هم اکنون در دانشگاه تهران موجود است. (نک محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه دانشگاه تهران، ۱/۱۲۱)؛ ۲. نسخه لیدن که در فهرست کتب شرقی کتابخانه لیدن

(۳۵۳/۱) معرفی شده است میکروفیلم این نسخه را کتابخانه مرکزی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز از مصحح خرید و هم اکنون آن را در اختیار دارد. تحریر آن روز چهارشنبه بیست و یکم صفر سال ۶۷۹ ق، در زمان غیاث‌الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان انجام گرفته که خود از سلاطین سلاجقه روم است که بین سال‌های ۶۳۳ تا ۶۸۲ ق حکومت داشته است. این تحریر همچنان مانند اصل کتاب در عین گمنامی پنهان ماند و بر اثر همین گمنامی، هنوز هم چنان که باید محک دانش و تجربه اهل تحقیق عیار ادبی و ارزش هنری آن را معین نکرده است. از این جهت می‌توان گفت که روضه‌العقول در سلسله نثرهای فارسی، به خصوص نثرهای منشیانه، تاکنون به صورت حلقه‌ای مفقود مانده است و تا زمانی که این حلقه و آثاری از این نوع در میان نباشد، بخشی از اطلاعات مادر مورد این قبیل نثرها همچنان حل نشده باقی خواهد ماند و به طور یقین نمی‌توان داوری‌های کلی در این مورد را درست و دقیق دانست.^۱

کتاب روضه‌العقول را اخیراً جلیل نظری، استاد دانشگاه شیراز، تصحیح کرده است. در این تصحیح نسخه پاریس اصل قرار گرفته و اختلافات آن با نسخه لیدن در پاورقی به عنوان نسخه بدل ذکر گردیده است. این کتاب در واقع پایان‌نامه تحصیلی نامبرده بوده که با راهنمایی غلامرضا افراسیابی، عضو هیئت علمی بخش فارسی دانشگاه شیراز، تصحیح و توضیح گردیده است. مقدمه کتاب درباره شرح حال مؤلف و ویژگی‌های سبکی و صنایع ادبی و توصیف و تصویر در این اثر و نکات دستوری و ادبی است که نود صفحه از کتاب را در بر می‌گیرد؛ همچنین روش تصحیح و مشخصات نسخه‌ها و برخی از منابع و مآخذ روضه‌العقول در مقدمه آمده است.

متن کتاب سیزده باب دارد که باب اول، مناقب سلطان قاهر غیاث‌الدین، و باب دوم درباره احوال مؤلف است. باب سوم تا سیزدهم هر کدام حکایت‌ها و داستان‌هایی را شامل می‌شود که به سبک نثرهای منشیانه و ادبی آن دوره است. تعلیقات مفیدی که ۱۲۰ صفحه را در بر می‌گیرد، شرح ابیات و عبارات و اصطلاحات ادبی فارسی و عربی است. اشعار عربی مندرج در کتاب توضیح گردیده و منابع و مآخذ اکثر اشعار عربی و فارسی بیان شده است. تأثیرپذیری مؤلف از نثرهای منشیانه آن زمان، به‌ویژه مقامات حریری، آن قدر زیاد است که با مطالعه چند صفحه از هر دو کتاب به راحتی می‌توان به میزان این تأثیر پی برد. هر چند

استفاده از امثال و اخبار و قصص برای تزئین کتاب‌هایی که نثر منشیانه دارند، همانند کلیله و دمنه، سندبادنامه، نفثة المصدور، و... امری طبیعی است، ولی مؤلف روضة‌العقول بیش از منابع دیگر تحت تأثیر این روش بوده است. بسیاری از واژگان و عبارات نثرهای منشیانه قبل از آن به‌ویژه واژگان و عبارات مقامات حریری، عیناً در روضة‌العقول تکرار شده است.

مجموعاً شصت بار امثال و جملات کتاب جهرة الامثال ابوهلال عسکری و دیوان المعانی او در کتاب استعمال شده است. در میان ابیات عربی شاهد، از اشعار متنبی بیش از دیگران استفاده شده و گاهی از یک قصیده شاعر تا شش بیت به مناسبت‌های مختلف آمده است. سخنان پیشوایان و ائمه اطهار، به‌ویژه کلمات حکمت‌آمیز حضرت علی (ع) در ۵۴ مورد، و استفاده از دوازده مورد از ابیات منسوب به آن حضرت، زینت‌بخش کلام و سخنان اوست. به کار رفتن بیش از حد سخنان آن امام، این نکته را در ذهن تداعی می‌کند که مؤلف مجموعه غززالحکم و دزر الکلم حضرت علی (ع) را در اختیار داشته و با آن مانوس بوده است. از دیگر شاعران معروف عرب هم اشعار فراوانی به تناسب موضوع آمده که می‌توان بحتری، تهامی، ابن درید، فرزدق، ابوالفناهیة، طرفه، لبیدبن ربیعہ، حاتم طایی، ابوالعلا معری، امرء القیس، بشار، صاحب بن عباد، و ده‌ها شاعر دیگر عرب را نام برد.

در میان اشعار فارسی مستعمل در روضة‌العقول، بیشترین شاهد از سنایی، شاعر و عارف بزرگ قرن ششم هجری است که مجموعاً چهل بیت یعنی حدود یک سوم ابیات فارسی این اثر از کتاب حدیقه سنایی و قصاید عرفانی اوست. با توجه به گستردگی موضوع و لزوم استفاده علاقه‌مندان نثر منشیانه از این اثر، وجوه تشابه و افتراق این دو کتاب ارزشمند در مقال دیگری خواهد آمد.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی